

برای تسهیل عملیات آماری امروزه اغلب عملیات استخراج بوسیله ماشین انجام میگیرد ولی شرط اول استخراج با ماشین وجود برگه می باشد این ماشینها یا ماشینهای حساب معمولی هستند یا ماشینهای مخصوص استخراج آماری که اعمال سه گانه ذیل را انجام می دهند:

۱ - استخراج و جمع هر دسته

۲ - جدا نمودن برگه ها

۳ - جمع نتایج دسته های مختلف

بهترین این ماشینها ماشینهای پوور Povers و

Hollerith می باشد ولی چون بحث در عمل این ماشینها از موضوع ما خارج است بهمین مختصر اکتفا نموده و فقط باید متذکر شد که استعمال ماشین علاوه بر اینکه سرعت عمل را زیاد می نماید از اشتباه هم جلوگیری نموده و برای انجام عملیات استخراج وقت کمتر و کارمند کمتری هم لازم دارد.

دکتر حسن ستوده

یا به علامات متفاوت (مانند شکستن یکی از گوشه های آن) استعمال نمود.

گرچه در حله اول بنظر میرسد که تهیه برگه وقت زیادی لازم دارد ولی تجربه می رساند که استعمال برگه علاوه بر آنکه با صرفه تر می باشد وقت کمتری هم لازم داشته و نتیجه صحیحی بدست میدهد زیرا:

الف - استخراج اطلاعاتی که در دفاتر ثبت شده اند مانند آمار ثبت احوال و امور جزائی فقط بترتیب برگه با دقت انجام میگیرد.

ب - نگهداری و مطالعه برگه ها آسانتر و محل کمتری لازم دارد.

ج - تقش و نظارت بر که بوسیله سوراخ کردن آنها آسانتر می گردد

د - تغییر و تبدیل دسته بندی بطرز آسانتری صورت میگیرد.

ه - بعد از اینکه برگه ها دسته بندی شدند شمردن آنها آسانتر و بوسیله ماشینهای مخصوص بسرعت انجام میگیرد.

## قانون کیفر سوئیس

اما تأمین این نظریه که نتیجه آن در مورد قوانین مختلفه کانتها منجمله قانون مجازات حفظ ۲۳ قانون مجازات مختلف برای ملتی که فقط دارای چهار میلیون جمعیت است بود با ترقیات اخیر بویژه تئوریهای جدید حقوق جزا و بیدایش مجرمین معروف بنام مجرمین بین المللی در نتیجه توسعه وسایل حمل و نقل ممکن نبود و بهمین جهت است سوئیس در سوم ژوئیه ۱۹۳۸ قانون مجازاتی را که پروژه اول آن تقریباً در چهل سال پیش توسط کارل اشتوس استاد دانشگاه برن تهیه شده بود

فکر ایجاد قانون کیفر واحد برای تمام کانتهای سوئیس پس از قریب چهل سال کوشش و زحمت و کشمکشهای سیاسی بالاخره در نتیجه سعی و همت دانشمندان آن کشور عملی شد.

مطالعه تاریخ سیاسی سوئیس نشان میدهد که کانتهای آن از قدیم در حفظ رسوم و آداب و مقررات داخلی خود ساعی بوده و باتو حید آنها در تمام سوئیس نظر خوبی نداشته اند. امروزه هم این عقیده بین توده و حتی اکثر اشخاص منورالفکر آن کشور حکمفرماست

با وجود تمام انتقاداتی که مخالفین بیجهت سیاسی از آن مینمودند برای تمام کشور تصویب نمود.

قانون مزبور چنانکه فوقاً اشاره شد از نظر سیاسی در سوئیس مخالفین جدی پیدا کرد و ای از نقطه نظر حقوقی نه فقط در تمام داخله سوئیس بلکه در خارجه هم جرائیون بمحاسن و اصلاحات علمی زیادی که قانون مزبور دارا بود اعتراف و اذعان نموده اند.

برای مطالعه اجمالی رفورمهای اساسی قانون مجازات سوئیس باید هر یک از دو مبحث عمومی و اختصاصی آنرا علیحده تحت نظر قرارداد.

### ۱ - مبحث عمومی

#### ۱ - روانی و سهولت تعبیر

اولین حسن قانون مجازات سوئیس که در مبحث عمومی زودتر استنباط میگردد آسانی تحریر و سهولت فهم مواد آنست. سهولت تحریر یکی از مسائل مشکل و در عین حال لازم برای حسن قانون نویسی است. و اشتوس نویسنده طرح اول قانون مجازات سوئیس این مطلب را در اول کتاب خود (اصول جزائی سوئیس) اینطور بیان میکند: «قانون مجازات باید طوری نوشته شود که نه فقط قضاة که امروز و اغلب از بین اشخاص عادی و معمولی انتخاب میشوند پی بسکات آن برند بلکه طبقه مجرمین هم باید از خواندن قادر بفهم مطالب آن باشند» (زیرا فهم قانون برای توده و بخصوص طبقه مجرمین خود یکی از اقدامات احتیاطی است که اهمیت زیاد در جلوگیری از وقوع جرائم دارد).

و میتوان گفت نویسندگان قانون مجازات سوئیس حتی الامکان این اصل را بخوبی رعایت کرده اند، چه اغلب جملات آن روان و آسان و معلوم است که بقدر مقدور از ذکر کلمات و جملاتی که فهم آن مشکل و معنی آن کشدار است احتراز کرده اند.

### ۲ - باعث جرم (۱)

برخلاف نظریه علمای مکتب قدیم حقوق جزا که برای تنبیه مجرم نظری جز بجرم نداشتند بعقیده علمای مکتب ایتالیائی توجه بجرم از لحاظ جلو گیری از وقوع جرائم هیچگونه اثری نداشته و مجرم یعنی کسی را که عمل جرم از او ناشی گردیده است باید فقط در نظر گرفت.

اما بین دو عقیده مخالف فوق نظر ثالثی از طرف پریس و فن هامل و فن لیست مؤسسين اتحاد بین المللی حقوق جزا پیشنهاد گردیده و بیش از دوفتر فوق طرفدار دارد. بنا بنظریه مزبور مجازات از لحاظ صرف جرم و یا از لحاظ مجرم با قطع نظر از جرم در هر حال زیاد با اثر نبوده و وقتی نتیجه مطلوبه را میدهد که جرم و خصوصیات شخصی مجرم هر دو در نظر گرفته شود بعبارت اخری قاضی باید حق داشته باشد که از جرم جلو تر رفته و علل جرم را در نظر گرفته بفهمد چرا مجرم مرتکب جرم گردیده است و برای این منظور باید پی باعث مجرم ببرد و باعث را بیش از هر چیز در تعیین مجازات مؤثر بداند. این نظریه امروزه تقریباً متفق علیه تمام مکتبهای جزائی است و قوانین جدید هم برخلاف قوانین قرن ۱۹ بیشتر بدان عنایت مینمایند.

قانون مجازات سوئیس هم از همین نظر تبعیت کرده از یکطرف بموجب ماده ۶۳ قانون مزبور «مجازات را قاضی بر حسب تقصیر و بلحاظ باعث و سوابق قضائی و وضعیت شخصی مجرم معین خواهد کرد.» و همچنین بر حسب ماده ۶۴ که ناظر بعامل مخففه مجازات است یکی از علل مزبور محترم بودن باعث جرم شمرده شده است مثل وضعیت پزشکی که بر اثر الحاح و اصرار شدید مریض که سخت رنج میبرد است برای خلاصی او از درد و

رنج مرتکب قتل او گردیده ( ماده ۱۱۴ )

بر عکس بموجب ماده ۵۲ پستی باعث جرم بدادرس حق میدهد که محرومیت از حقوق اجتماعی را بعنوان مجازات تبعی درباره او معین نماید. در قسمت خصوصی این قانون پستی باعث بعضی اوقات از علل متشکله جرم محسوب گردیده است.

مثل تشجیع و ترغیب دیگری بخود کشی از نظر نفع شخصی ( ماده ۱۱۵ ) و یازود بکار و داشتن اطفال بهمین نظر ( ماده ۱۳۵ ) و در خیلی موارد هم موجب تشدید مجازات است مثل موارد مواد ۱۷۵ و ۱۵۹ - ۱۷۴ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - و غیره.

۳ - مجرمیت [۱]

عمد و غیر عمد

کسانیکه کمی بمطالب حقوق جزا آشنا هستند میدانند که امروزه یکی از مشکلترین موضوعات حقوق جزا مسئله مسئولیت جزائی است.

مناقشات و اختلافاتی که در این موضوع بین علمای جزا حاصل شده است قطع نظر از مسئله جبر و اختیار که هسته مرکزی نزاع دائمی علمای کلاسیک و طرفداران مکتب ایتالیائی را تشکیل میدهد و بیشتر مربوط بعلوم فلسفی است تا حقوقی بدون اغراق باید خود موضوع کتب مفصل باشد.

قانون مجازات سوئیس در این مسئله هم مانند سایر مسائل موضوع را قطع کرده و مجرمیت و عمد و غیر عمد را تعریف نموده است.

بموجب ماده ۱۸ قانون مزبور: « تنها کسی قابل مجازات است که عمداً مرتکب جنحه یا جنایت شده باشد جز در موردی که خلاف این صریحاً مقرر شده.

» کسی عمداً مرتکب جنحه یا جنایت شده

است که دانسته و خواسته اقدام کرده باشد» (۱)

مقنن سوئیس ضمن این ماده قطع نظر از فصل نزاعهای سابق در موضوع مجرمیت سوء نیت - عمد و غیر عمد این نظر اساسی را هم تأمین کرده است که: مجازات دیگر فقط از جهت نتیجه حاصله و عمل مجرم نبوده نظر و نیت مجرم هم در تعیین میزان آن باید دخیل باشد. مثلاً در مورد ایراد جرح و ضرب بموجب ماده ۱۲۲ و مواد بعدی تعیین مجازات باین طریق میشود:

اولاً - وقتی که جرح و ضرب درست بحدی که منظور فاعل بوده است انجام یافته باشد - در این صورت اشکالی پیش نمیآید.

ثانیاً - عمل انجام یافته کمتر از نتیجه است که فاعل از ضربه خود انتظار داشته است مثلاً مجرم چاقورا بمنظور فرو بردن در سینه طرف میکشد اتفاقاً چاقو خطا رفته باستخوان کتف او اصابت میکند و فقط جراحت مختصری حاصل میشود در این فرض مجازات متناسب با آنچه که ماداً صورت گرفته نبوده و باید بنسبت نیت مجرم باشد و باین طریق جرم او ایراد جرحی است که قصداً ارتکاب آنرا داشته است.

ثالثاً - عمل انجام یافته بیش از نتیجه است که فاعل جرم از عمل خود انتظار داشته و در این حالت یکی از دو صورت پیش میآید.

یکی اینکه فاعل میتواندسته است جرم واقع شده را تماماً پیش بینی نماید در این صورت مشارالیه مرتکب جرم مزبور منتها بطور غیر عمد شناخته میشود مثل وقتی که نظر فاعل فقط جراحت بوده ولی این جراحت منتهی بقوت مجنی علیه گردد ( ماده ۱۲۲ شق ۲ ) یا اینکه منظور مجرم ایراد جراحت مختصر بوده ولی جراحت وارد شده از نوع جراحات سخت باشد ( شق ۲ ماده ۱۲۳ )

صورت دوم وقتی است که فاعل نه میخواسته است عمل واقع شده را انجام دهد و نه تصور اینکه این نتیجه

ممکن بوده است از عملش حاصل گردد برایش امکان داشته در این صورت مشارالیه فقط مجازات جرمی را که میخواست است انجام دهد خواهد دید ( ماده ۱۲۴ )  
 طبقه مجازات فوق امروزه بیشتر مورد قبول علما بوده و بنظر هم بعدالت نزدیکتر است که شخص بنسبت عمل انجام یافته مجازات نشده بلکه نیت و نظر او هم در تعیین میزان مجازات دخالت داشته باشد.

۴ - اشتباه

قانون مجازات سوئیس طی مواد ۱۹ و ۲۰ دو نوع اشتباه پیش بینی و تعریف کرده است: اشتباه موضوعی و اشتباه حکمی بر حسب مستفاد ماده ۱۹: کسی که در تحت تأثیر نظریه غلطی مرتکب عملی شده است متناسب با همین نظریه مجازات خواهد شد اگر این ترتیب بحال او نافع تر باشد - کسی که احتراز از این نظریه غلط در صورت احتیاط برایش ممکن بوده در صورت ارتکاب بجرم غیر عمدی قابل مجازات خواهد بود در صورتیکه عمل او را قانون بعنوان جرم غیر عمدی قابل مجازات شناخته باشد.

همچنین بر حسب ماده ۲۰ که ناظر ب اشتباه حکمی است: مجازات درباره کسی که مرتکب جنایت یا ضربی گردیده و حال آنکه بدلائل قویه خود را مجاز در این اقدام تصور مینموده ممکن است بنظر قاضی تخفیف داده شود و نیز در این صورت قاضی میتواند چنین شخصی را معاف از هر گونه مجازاتی نماید.

۵ - مجرمین بین المللی

« باتسهیلاتی که امروزه در امر ارتباطات در عالم پیدا شده منطقه عمل بد کاران نیز توسعه پیدا کرده است گذشت زمانی که هر کشور مجرمین خود را داشت و با وجود سرحدات اهالی را از شر جنایتکارانی که کشور همسایه را مشوب میکردند ایمن مینمود. امروزه احتیاج

تعاون دول بیکی دیگر برای مبارزه بر علیه مجرمین هر چه بیشتر محسوس میگردد»

جملات فوق را نویسندگان پروژه طرح قانون مجازات فرانسه که در ۱۵ مه ۱۹۳۴ بمجلس نمایندگان ملت تقدیم گردید برای توجیه مواد مربوطه جزء لایحه عنوانی قانون مزبور قرار داده بودند. اما فکر جاو گیری از پیشرفت و توسعه گناهکاران معروف مجرمین بین الملل مدتهاست توجه علمای جزائی را بخود جلب نموده و دو طریقه پیش بینی شده است:

یالینکه مثل ممالک آنکوسا کسن اصل استرداد مجرمین را بطور کلی باید پذیرفت و اگر این ترتیب بامقتضیات کشور وفق نمیدهد باید بطوری کرد که حتی الامکان قضاة هر مملکت نسبت بجرایم ارتکاب شده در سایر ممالک نیز ترتیب اثر دهند.

در قانون مجازات سوئیس بمنظور اخیر قدمهای جدی برداشته شده است که نمونه آن از این قرار است:

بموجب ماده ۴۱ قانون مزبور: مجازات سالب آزادی برای جنایت یا جنحه عمدی که سابقاً در خارجه اجرا گردیده است ( بشرط نگذشتن مدت معینی) برای محرومیت از حق تعلیق در سوئیس کافی است.

یابر حسب ماده ۶۷ این قانون: محکومیت صادره از خارجه در صورت ارتکاب جرم جدید در سوئیس برای تحقق تکرار جرم کافی است بشرط آنکه محکومیت فوق از جهت جرمی باشد که استرداد مجرم آن بموجب قوانین سوئیس اجازه داده شده باشد.

و نیز در تعقیب همین نظریه قانون سوئیس تعقیب و مجازات کسانی را که مرتکب جرائمی شده اند که ذاتاً جرائم بین المللی شناخته شده اجازه میدهد هر چند فاعل آنها خارجی بوده و جرم هم در خارجه واقع شده باشد مثل معامله زنان و کودکان ( ماده ۲۰۲ ) و ضرب سکه قلب حتی سکه خارجی ( مواد ۲۴۰ و ۲۵۰ )

نکرده و بواسطه حشر با اشخاص نامتناسب تعداد مجرمین صغیر بطوریکه احصائیه های جزائی نشان میدهد سیال بسال رو بفزونی رفته (۱) و زندان برای کودک مکتب جرم گردیده و بندرت دیده شده کود کانی که یکمرتبه وارد زندان شده اند بعد از خروج اصلاح شده و دیگر مرتکب جرم نشوند.

بنا به مراتب مسئله قوه ممیزه از نیمقرن باینطرف مخالفین جدی پیدا کرده (۲) و علماء عصر حاضر راه حل جدیدی برای مسئله مجرمین صغیر پیدا کرده اند. بنا به عقیده این علما که امروزه همه جا پذیرفته شده مسئله جرم کودک باید اصلاً از مباحث قانون مجازات خارج شود - قوای طفل رو بکمال است و برای جلوگیری از جرم او باید بانواع وسائل تربیتی متوسل شده و نه به مجازات و باین طریق مسئله قوه ممیزه را باید کنار گذاشته و بجای آن تدابیر دیگر که برای تربیت و هدایت طفل لازم است از قبیل: نگاهداری در خانواده - توبیخ - تنبیه در آموزشگاه و دارالتأدیب و غیره بکار برد.

این مسئله یکی از پنج اقدام تأمینیه مهم است که قانون مجازات سوئیس آنرا بهترین طرز پیش بینی و تدوین نموده است.

مشخصات قانون مجازات سوئیس در این موضوع دو چیز است:

یکی اینکه مقررات این مطلب اصلاً ربطی با مجازات ندارند دیگر اینکه بنظر مقنن سوئیس چون تمام صفار دارای شرائط واحد نبوده و از یک خانه بیرون نیامده اند طرز تربیت هر کدام باید مختلف باشد.

۱ - رساله: اقدامات تأمینیه و رفورم حقوق

جزائی « اینجانب ژنو - ۱۹۳۹ صفحه ۷۸

Arnold: ca vèfome en suisse du droit motenil opplicable ou mineurs delinquents ( Zhesè, Genève 1935 ) p. 14

همچنین بر حسب مستفاد ماده ۳۵۸ در مورد تجارت نشریات مخالف عفت وقتی که نشریات مزبوره در خارجه تهیه شده و یا از خارجه وارد شده باشند مجازات مجرمین در سوئیس ممکن خواهد بود.

### ۶- مجرمین صغیر

مسئله مجرمین صغیر و مجرمین معتاد دو مسئله هستند که میتوان بدون اغراق گفت امروزه در صدر مهمترین مسائل جزائی قرار گرفته و بیش از هر مطلب دیگر در بین علما مورد بحث میباشد زیرا معلوم است با اصلاح مجرمین صغیر و نگاهداری و مواظبت مجرمین معتاد تعداد مجرمین بیاندازه کمتر میگردد.

سابقاً مسئله مجازات صفار اینطور حل شده بود که قاضی در موقع رسیدگی باید قبل از هر چیز تحقیق کند آیا صغیر هنگام ارتکاب دارای قوه ممیزه (۱) بوده است یاخیر.

اگر جواب این سؤال مثبت بود مجرم باید مجازات شود ولی صغیر یکی از علل مخففه بشمار رفته و میزان مجازات را پائین میآورد. اما اگر جواب مسئله منفی بود طفل تعقیب نشده و یا اگر تعقیب شده تبرئه و با اولیاء خود سپرده میشد تا در تربیت و حسن اخلاق او اقدام نمایند.

این راه حل ابتدادر قانون مجازات ۱۸۱۰ فرانسه پیش بینی شده و قوانین ممالک دیگر هم که بعد ها از روی قانون فوق اقتباس شده منجمله قانون مجازات فعلی ایران از آن تبعیت کرده اند.

ولسی طریقه مزبوره در عمل مورد اشکال شده است زیرا نه قانون فرانسه و نه قوانین بعدی که از آن تبعیت کرده اند و قوه ممیزه را تعریف ننموده و از طرفی هم معنی قوه ممیزه مبهم است و تشخیص آنها هم کنی دار اصولاً نظر جلوگیری از جرائم اطفال را تأمین

قانون مجازات مزبور مجرمین صغیر را سه دسته تقسیم کرده است:

۱ - کودک

۲ - جوان

۳ - جوان بین ۱۸ و ۲۰ سال

از نقطه نظر جزائی کودک کسی است که سن او بین شش و چهارده سال تمام باشد (مراقبت صغار کمتر از شش سال بغامیل آنها واگذار شده است)

جوان کسی است که سنش بین ۱۵ و ۱۸ سال باشد (مجازات صغار بین ۱۸ و ۲۰ تقریباً همان مجازات اشخاص بالغ است و مختصر تخفیفاتی در مجازات) (۱)

در مورد کودکان و جوانان مجرم که موضوع اصلی این مبحث هستند تحقیقات و محاکمه قبل از هر چیز با یک تحقیق مقدماتی باید شروع شود. اگر لازم باشد مفا مربوطه اطلاعاتی راجع بر رفتار و تحصیلات و وضعیت شخص طفل تهیه مینماید و نیز مقام مزبور باید گزارشهایی توسط کارشناسان راجع بوضعیت مزاجی و روحی طفل تهیه و حاضر نماید. و برای این منظور مقام مزبور حق دارد دستور دهد که طفل مدتی تحت دقت و مواظبت قرار گیرد.

بررسی اطلاعات مزبوره اجازه خواهد داد که طفل را بتوان جزء یکی از سه دسته ذیل (که راجع به مجرمین کودک و جوان هر دو میشود) قرارداد:

الف - مجرم صغیر اخلاقاً ول یا فاسد یا در معرض فاسد شدن است. در اینحال مشارالیه بمؤسسه مخصوص تربیت کودکان (۲) و یا دارالتأدیب جوانان (۳) فرستاده خواهد شد.

مدت اقامت در مؤسسه تربیت کودکان باندازه

۱ - بماده ۱۰۰ قانون مجازات سوئیس مراجعه شود.

۲ - Rlobbnement d' education pour enfants (ort84)

۳ - Moison d' educatiun pour adolescents (ort91)

خواهد بود که اقدام تأمینی نتیجه خود را ببخشد ولی حداکثر آن تا سن ۲۰ سالگی است (ماده ۸۴)

مدت اقامت در دارالتأدیب جوانان بقدری است که برای اصلاح اخلاق مجرم لازم است ولی از یکسال کمتر نبوده و منتهای آن سن بیست و دو سالگی تمام است (ماده ۱۹۱)

ب - مجرم صغیر دیوانه - کم عقل - کور - کر و لال - غشی و یا مبتلا بمرضی از این قبیل است که معالجه مخصوص لازم دارد.

در این صورت مقام صلاحیتدار حکم معالجه کودک یا جوان مجرم مزبور خواهد نمود (مواد ۵۸ و ۹۲) (۱)

ج - مجرم صغیر نه اخلاقاً ول نه فاسد نه در

معرض فساد و نه مریض است. در این صورت در مورد

کودکان سرزنش Rëprimoude و یا تنبیهاآت آموزشگاهی

(Arrets Scoloues) برای اصلاح آنها کافی است (۲)

ولی در مورد جوانان قاضی ممکن است حکم

سرزنش یا غرامت (در صورتیکه مجرم استطاعت پرداخت

داشته باشد) یا توقیف از یک روز تا یکسال بدهد.

توقیف مزبور در محلی اجرا خواهد شد که در

آن اشخاص غیر صغیر نباشند.

بالاخره بموجب ماده ۸۶ حاکم میتواند حکم

بغرامت یا توقیف فوق را تعلیق نماید و مخصوصاً تعلیق

در این مورد توصیه شده است.

تدابیر فوق الاشعار قانون مجازات سوئیس کوشیده

که اطفال را بانواع وسائل حمایت و اصلاح و از سلطه

مجازات خارج نماید

باین ترتیب همانطور که پروفیسور لکز گفته

(۱) این نکته نیز نا گفته نماند که بموجب مواد ۸۶

و ۹۳ مقام صلاحیت دار هر وقت می تواند بجای اقدام و

معالجه که حکم کرده اقدام یا معالجه دیگر را حکم دهد

(۲) رساله این جانب

ایجاد وضعیتی برای آنها که دیگر قادر بارتکاب جرم نباشند.

بوسیله نگاهداری در مؤسسات مخصوص

اینطریقه یکی دیگر از پنج اقدام تأمینی است که فکر بکر اشتوس برای قانون مجازات سوئیس پیش بینی کرده است.

بر حسب مستفاد ماده ۴۲ قانون مزبور: هر گاه مجرمی که چندین مجازات سالب آزادی دیده است محکومیت جدیدی از جهت جنحه یا جنایت پیدانماید و وقتی که تمایل بارتکاب جنحه یا جنایت و یا میل به بیرویه گئی و تنبلی از خود بروز دهد قاضی میتواند حکم نگاهداری او برای مدت غیر محدودی بنماید. در این صورت نگاهداری بجای مجازات اجرا خواهد شد.

نگاهداری در مؤسسه مخصوص یا شعبه مخصوص يك مؤسسه که فقط برای این منظور پیش بینی شده باشد بعمل خواهد آمد.

بطوریکه ملاحظه میشود بوسیله فوق بهترین تأمین برای حفظ جامعه از خطر مجرم معتاد پیش بینی شده است. ولی معدک برای اینکه مجرم مزبور کاملاً از زندگي خود ناامید نباشد بموجب شقوق ۴ و ۵ ماده مزبور بعد از يك امتحان اقل سه ساله مقام صلاحیت دار بعد از مراجعه باولياء مؤسسه مخصوص نگاهداری و تشخیص آنها باینکه مجرم اخلاقاً تغییر کرده و دیگر نگاهداشتن او لازم نیست میتواند مجرم نامبرده را بشرط ادامه بروز حسن اخلاق آزاد نماید ولی آزادی او تحت نظر خواهد بود.

اگر تا مدت سه سال آزاد شده حسن سلوک بخرج داده و باینوسیله ثابت نمود که حالت خطرناک بودن او برای جامعه مرتفع گردیده است حکم استخلاص او قطعی خواهد شد. و در صورت عکس یعنی اگر مجرم مجدداً مرتکب جرمی گردید دوباره بمؤسسه اعزام و

میتوان امیدوار بود: « و قتیکه تمام اینمقررات در تمام کشور سوئیس اجرا گردید. اگر جرم از بین نرود لامحاله تعداد آن بسیار نقصان خواهد یافت »

### ۷ - مجرمین معتاد

علمای حقوق جزا مدتهاست کوشش کرده اند که از تکرار جرم بوسیله تشدید مجازات از جرم جدید جلوگیری نمایند. اما بدبختانه تجربه ثابت کرده است که وسیله مزبور بعد از یکی دو مرتبه اجرا نه فقط مجرم را اصلاح ننموده بلکه بر جرئت وی در ارتکاب جرائم افزوده و باعث پیدایش عده بنام مجرمین معتاد یعنی کسانی که ارتکاب جرائم بر ایشان اهمیت نداشته و مجازات هم دیگر روی آنها تأثیر ندارد گردیده است. تعداد مجرمین مزبور بشهادت احصائیه های جزائی در اغلب کشورها قسمت اعظم کلیه مجرمین را تشکیل میدهد. (۱)

وجود این قبیل مجرمین بیش از هر نوع دیگر جزائیون را بفکر انداخته و چنانکه در بالا مذکور شد حل مسئله مجرمین معتاد در ردیف مسئله مجرمین صغیر از چندی پیش باینطرف اولین فصل نقشه رفورم حقوق جزائی را تشکیل میدهند.

امروزه ثابت شده است که در مقابل مجرمین معتاد که دیگر بهیچوجه امید و شانس اصلاح در آنان نیست برای دفاع جامعه از خطر آنها جز یکراه وسیله دیگری موجود نیست و آن عبارتست از:

(۱) در سوئیس مثلاً که عده کر مجرمین در سال ۱۹۳۶ ۱۹۱۱۴ نفر بوده است تقریباً نصف آنها یعنی ۹۴۴۱ نفر مجرم معتاد بوده اند. مراجعه شود به:

Annuaire statistique de la suisse (1936)  
publié par le bureau fédéral de statistique à  
Berne

در این صورت قبل از مضي مدت پنجسال خلاصی مشروط برای او ممکن نخواهد بود.

#### ۸ - مجرمین غیر مسئول و نیمه مسئول

از نقطه نظر جزائی مجرم غیر مسئول کسیسکه در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا مبتلا به اختلال دماغی باشد. مجرم نیمه مسئول آنست که در موقع ارتکاب جرم بواسطه عوارض دماغی کاملاً قادر با استدراك خلاف قانون بودن عمل خود نبوده است.

مطالعه تاریخ مجازات نشان میدهد که سابقاً چه نوع عذابها بر سر این مجرمین میآوردند و چه مجازاتهای سختی درباره شان اعمال میکردند

در باره مجرمین نیمه مسئول هم فکری جز تخفیف مجازات نشده بود اما تجربه بهمه ثابت کرد که ول گذاشتن مجرمین مجنون رفع خطر آنها را برای جامعه نکرده و تخفیف مجازات نیمه مسئولین نیز جز مشوقی برای آنها با ارتکاب جرائم نمیشد و وظائف زمامداران کشور که حفظ جان و مال اهالی است ایجاب مینماید که در مقابل ایندسته مجرمین اقدام دیگری بعمل آید اینستکه ماده ۱۴ قانون مجازات سوئیس بقاضی حق داده در مورد مجرمین مزبور در صورتیکه حالت آنها ایجاب نماید که در مؤسسات مخصوص نگاهداری شوند حکم بنگاهداری نماید. در این صورت اجرای حکم نگاهداری اجرای مجازات را بتعویق خواهد انداخت

همچنین بر حسب مستفاد ماده ۱۱۵ در صورتیکه حالت مجرم مسئول یا نیمه مسئول ایجاب نماید که مشارالیه در بهداری معالجه شده یا در آنجا نگاهداری شود. قاضی میتواند حکم بنگاهداری یا معالجه در بهداری بدهد.

فایده تشخیص فوق توسط قاضی اینستکه مشارالیه

ببتر از هر کس بخصوص بهتر از رؤسای اداری این قبیل مجرمین را شناخته و بهتر میتواند تشخیص اقدام مناسب را بین نگاهداری در مؤسسه مخصوص یا معالجه

در بهداری بدهد.

#### ۹ - مجرمین معتاد به استعمال الكل

##### یا سایر مخدرات

رابطه بین جرم والکل را میتوان بخوبی از روی احصائیه های جزائی (۱) دانسته و فهمید که چه اندازه از جرائم از قبیل ایراد جرح و ضرب و قتل - تهدید بقتل - توهین بمقامات عالیه و مامورین دولت کلیه اعمال منافی عفت و غیره در تحت تأثیر این دشمن اجتماعی انجام میگیرند

از طرف دیگر با قبول باثر الكل در اعصاب دماغی مسئولیت مجرم نقصان پیدا کرده و قوانین امروزه برای مسئولیت کمتر مجازات خفیفتری قائل میشوند. اما هیچکس نمیتواند انکار کند که مجازات تخفیف یافته برای جلوگیری از جرائم معتادین بمسکر کافی نبوده بلکه مشوق آنها در استعمال الکلیات و محرک بار تکاب جرم است

اینستکه قوانین جدید بادر نظر گرفتن مراتب فوق علاوه بر اجرای مجازات در باره این قبیل مجرمین بوسیله دیگری متوسل شده اند که اصولاً قلع ماده شود و آن عبارتست از نگاهداری و معالجه معتادین در مؤسسات صحی که یکنوع دیگر از اقدامات تامینی است بعضی از قوانین و پروژه های جزائی مثل قانون جدید مجازات ایتالیا و پروژه قانون مجازات فرانسه با اینکه در این مورد صدور حکم با اقدام تامینی را بقاضی اجازه داده اند ولی مؤسسه مخصوص برای نگاهداری و معالجه مجرمین الکلی پیش بینی نموده اند قانون مجازات ایتالیا آنها را در عداد مجرمین نیمه مسئول (۲) و پروژه فرانسه جزء مجرمین مختل المشاعر دانسته است (۳)

۱ - مراجعه شود برساله اینجانب صفحه ۶۳

۲ قانون مجازات ایتالیا ماده ۲۱۹

۳ - پروژه قانون مجازات فرانسه ماده ۷۳



حکم مجازات درباره مجرمی که مرتکب جرمه یا جنایت شده است قاضی میتواند اگر ارتکاب جرم مربوط بتمایل الکی اوست حکم نماید که بعد از اجرای مجازات محکوم بموسسه مخصوص الکی ها فرستاده شود معذک قانون بقاضی حق داده که در صورت مصلحت اجرای مجازات را معلق با اجرای اقدام تأمینی نماید.

ماده ۴۵ قانون مزبور مقررات فوق را برای اشخاص معتاد بسایر مخدرات از قبیل مرفین و کوکائین وغیره نیز قابل اجرا دانسته است.

### ۱۰ - انواع مجازات

در شماره های ۶ و ۷ و ۸ و ۹ چهار قسم از مهمترین اقدامات تأمینی که در قانون مجازات سوئیس پیش بینی شده است بیان شد - اما اقدام تأمینی در مقام جلوگیری از جرم مکمل مجازات است و مجازات بخلاف نظر علمای ایتالیا هنوز باید بزرگترین وسیله دفاع جامعه در مقابل خطر مجرمین باشد.

قانون مجازات سوئیس مجازات ها را بدو دسته اصلی و فرعی تقسیم کرده با قطع نظر از مجازاتهای فرعی مثل تعلیق از استخدام دولت محرومیت از حقوق اجتماعی - اخراج تبعه خارجه وغیره.

مجازاتهای اصلی در قانون مزبور خود بدو قسمت تقسیم شده اند اول مجازاتهای سالب آزادی دوم مجازات های مالی.

### ۱۱ - مجازاتهای سالب آزادی

مجازاتهای سالب آزادی عبارتند از :

۱ - حبس با کار

۲ - حبس معمولی

۳ - حبس خلافی

حبس با کار (ماده ۳۵) سخت ترین مجازاتهای قانون سوئیس است و جز در مورد قتل عمدی که ممکن است مؤبد باشد مدت دار بوده حد اقل آن يك و حد اکثر آن بیست سال است حبس معمولی حد اقل آن

برعکس بموجب شق ۲ ماده ۴۴ قانون مجازات سوئیس موسسه نگاهداری مجرمین معتاد باستعمال الکل موسسه مخصوص بوده و یا شعبه مخصوص یکی از مؤسسات تعلیم گاه میباشد و بنظر نگارنده رویه قانون مجازات سوئیس در این مورد نیز که دیگر از مبتکرات فکر اشتوس است بر رویه قانون مجازات ایتالیا و پروژة فرانسه رجحان دار دزیرا است که مجرم الکی نوعی از مجرمین نیمه مسئول و یا مصداقی از مجرمین مختل الشعور است اما معالجه آن اغلب راحت تر و کوتاه تر از معالجه دونوع مجرم نامبرده بوده و بعلاوه بواسطه شیوع آن جا دارد که اقدام تأمینی مخصوصی برای آن پیش بینی شود و در مؤسسات معین نیز معالجه گردد قانون مجازات سوئیس دونوع اقدام برای الکی ها پیش بینی نموده که عبارتند از :

۱ - ممنوعیت از مراد در محل هاییکه مشروبات الکی در آنجا فروخته و صرف میشود (۱)

۲ - فرستادن در موسسه مخصوص معالجه الکی ها (۲)

اهمیت اقدام اولی نسبی است زیرا کنترل و تفتیش ممنوعین در محل هاییکه مشروبات الکی در آنجا فروخته میشود در شهرهای بزرگ عملا غیر ممکن و یا لا اقل بسیار مشکل است و فقط در شهرهای خیلی کوچک و دهات که تفتیش در آنجا آسان باشد اقدام مزبور ممکن است نتیجه داشته باشد و در این قبیل شهرها نیز بنظر پروفیسور لگز ممنوعین میتواند که در خانه خود حتی خیلی بیشتر از میزان عطش مسکر بیاشامند

بر عکس اقدام دوم یعنی فرستادن در موسسه مخصوص معالجه الکی ها اهمیت زیاد در جلوگیری از جرائم الکی ها خواهد داشت.

بموجب ماده ۴۴ قانون مجازات در موقع صدور

۱ - ماده ۵۶ قانون مجازات

۲ - ماده ۴۴ « «

سه روز و جز در مواردیکه قانون صریحاً معین کرده باشد حد اکثر آن سه سال است

حبس خلافی اصولاً حبس پلیسی بوده و میزان آن از يك روز تا سه ماه است (ماده ۳۹)

غیر از حبسهای خلافی که اجرای آنها از جهت کمی مدت اجازه نفوذ زیاد در روحیات مجرم را نمیدهد مقنن سوئیس منظور عالی و مهم ذیل را از طرز اجرای حبس های با کار و حبس های معمولی در نظر گرفته است: مجازاتهای حبس با کار و حبس معمولی باید طوری اجرا شوند که در روی محکوم يك عامل تربیتی بوده و وسیله مراجعت او را بزندگانی آزاد تهیه نمایند (قسمت اول ماده ۳۷) برای تامین منظور فوق قانون طریقه برای اجرای حبسهای بالا پیش بینی نموده که خیلی شبیه بطریقه معروف سیستم انگلیسی است.

سیستم محبسی سوئیس دارای سه مرحله ذیل است: (۱) الف - تنهائی - در سه ماه اول حبس با کار یا ماه اول حبس معمولی مجرم باید به تنهائی در يك سلول بسر بردمذلك رئیس زندان حق دارد در صورتیکه وضعیت مزاجی یا روحی مجرم یا منظور مجازات ایجاب نماید مدت های فوق را تنزل داده یا میزان آنها را بالا ببرد

ب - کار جمعی - کار بهترین وسیله اصلاح مجرمین است ( لگز ) بموجب قانون مجازات سوئیس محکوم بحبس مجبور بکار است اینکار بطور کلی جمعی خواهد بود ولی باید اولاً محکومین در مواقع راحتی در سلول بسر برده و در مواقع کار جمعی هم سعی شود که حتی المقدور محکومین بحبس مجرد از محکومین بحبس تادیبی سوا باشند - نوع کار متهم باید طوری باشد که موافق با ذوق او بوده و باو اجازه دهد که در موقع خلاصی از زندان هم بتواند بوسیله آن بزندگانی شرافتمندانه ادامه دهد

پ - آزادی مشروط - بموجب ماده ۳۸ وقتیکه يك محکوم بحبس با کار یا حبس معمولی دو ثلث از

مجازات خود را کشیده باشد ( در مورد حبس معمولی اقلاً سه ماه مقام مربوطه میتواند باقید نظریاتی چند باو آزادی مشروط اعطا نماید - آزاد مشروط اگر ظرف مدت معین در حکم مرتکب جرمی نشده و شرافتمندانه زندگانی نمود آزادی او قطعی خواهد شد

## ۱۲ - مجازاتهای مالی

بنظر خیلی اشخاص غرامت مخصوصاً از جهت اشکالات اجرای آن یکی از اقتضاحات قوانین جزائی امروزه است با وجود این قانون مجازات سوئیس طی سه ماده مجازات مزبور را با طرز اجرای آن اصلاح نموده است - نکات ذیل در این رفورم غرامت در قانون سوئیس قابل ملاحظه هستند:

الف - بموجب شق ۲ از ماده ۴۸ میزان جریمه را قاضی بر حسب وضعیت شخص محکوم معین خواهد کرد برای تحقیق وضعیت محکوم علیه قاضی مخصوصاً جهات ذیل را باید در نظر بگیرد عایدی و سرمایه - احوالات شخصی و عائله - شغل و در آمد های مربوط بشغل - سن و وضعیت صحی محکوم علیه

بترتیب فوق غرائم بامیزان ثابت برای بعضی جرائم دیگر از میان برداشته شده و مجازات چنانکه گفته شد متناسب با وضعیت شخص محکوم علیه خواهد بود و نه فقط با جرم - این اولین وسیله احترام از محکومیت های غرامتی است که اجراء آنها سالها بطول میانجامد

ب - رفورم دیگر قانون مجازات سوئیس در موضوع غرامت طریقه وصول است - امروزه در مالکی که غرامت قابل تبدیل بحبس نیست مبلغ جریمه غالباً بلا وصول میماند - برای احترام از این اشکال چند وسیله ممکن است:

اولاً ممکن است محکومی که دفعتاً قادر بتادیبه تمام غرامت نیست میتواند آنرا با قسطا بپردازد در این صورت مقام صالح حکم بتادیبه غرامت با قسطا خواهد نمود ثانیاً وقتیکه محکوم علیه واقعا بی بضاعت و غیر

قادر بنادیه غرامت حتی با قسط است غالباً میتواند کار کند. در اینصورت هیچ عیب ندارد که مشارالیه بوسیله کار کردن برای دولت یا شهر دارها غرامت خود را تادیه نماید در این صورت مقام صالح میتواند حکم دهد که محکوم علیه غرامت خود را در مقابل تمهد کار باز خرید نماید

بالاخره هرگاه هیچکدام از دو وسیله فوق عملی نبود قانون بمقام صالح اجازه داده است که در صورت امید باخذ نتیجه حکم تعقیب چنانکه برای دیون حقوقی پیش بینی شده است بنماید

پ - اجرای تدابیر فوق بلائیک مقدار زیادی از تعداد محکومین بفرامت که مجازات آنها بلا اجرا میماند کم می نماید اما باز هم ممکن است پیش باید که محکوم علیه نه اقساط غرامت خود را پرداخته و نه آنرا با کار باز خرید نماید در اینصورت بنظر میاید که دیگر چاره جز تبدیل غرامت بحبس باقی نباشد اما تبدیل فوق اولا برای دولت پر خرج تمام شده ثانیاً اغلب مخالف عدالت است زیرا اگر رافع کسی نه قادر بنادیه غرامت با قسط و نه توانا بیاز خرید آن با کار است حبس کردن چنین شخصی اخلاقاً درست نبوده و معنی آن محکومیت و ملامت فقر است قانون مجازات سوئیس این احوال را هم رفع کرده است ماده ۴۹ قانون مزبور ابتدا بطور کلی بقاضی حق میدهد که غرامت را تبدیل بحبس نماید اما بعد اضافه میکند که : اگر محکوم علیه ثابت نماید که عدم توانائی او برای پرداخت غرامت ناشی از تقصیر نمیباشد قاضی میتواند از تبدیل غرامت بحبس خود داری نماید

با این ترتیب اثبات بی تقصیری محکوم علیه برای عدم قدرت پرداخت غرامت از طرف او مانع این است که قاضی غرامت را تبدیل بحبس نماید در اینصورت دیگر وسیله برای قاضی جز تسلیم بضر بالمثل مشهور که الفلس فی امان الله باقی نمیماند

این نکته را هم نگفته نگذارم. ضبط اموال که غالباً جزء مجازاتهای مالی بشمار رفته است در قانون سوئیس مجازات نبوده و اقسام است

۱۳ - وضعیت مدعی خصوصی

بحث در حقوق شخص متضرر از جرم هر چند داخل در موضوعات اصول مجازات جزائی است و وسائل حمایت از حقوق وی باید ضمن قوانین فوق نامین گردد اما قانون مجازات هم میتواند کمکهای موثری برای حفظ و رفع ضرر وی پیش بینی نماید. مثل این که قانون مجازات سوئیس این منظور را بهترین وجهی تامین کرده است.

اولاً قانون مزبور با دادن تخفیفات بمجرم و سایر وسایل حتی المقدور سعی کرده است که خود او چیران زبان و ضرر مدعی خصوصی را نماید مثلاً یکی از شرط تحصیل آزادی مشروط (ماده ۳۸۰) یا تملیق ماده (۴۱) یا اعاده حیثیت (مواد ۷۶ - ۷۷ و ۷۹ و ۸۰) اینستکه مجرم تاحدی که قدرت و ثمن داشتته سعی در رفع ضرر متضرر از جرم نموده باشد

همچنین بموجب ماده ۶۴ جبران ضرر و زیان مدعی خصوصی از طرف مجرم تاحدی که برای او مقدور بوده یکی از علل مخففه مجازات بشمار رفته است.

اما بالاتر از اینها حمایت بزرگتری برای متضرر از جرم در قانون سوئیس پیش بینی شده است.

بر حسب مستفاد از ماده ۶۰ : اگر بر اثر وقوع جنحه یا جنایتی شخصی متضرر از آن گردیده و احتمال بیرون آمدن جبران خسارات او را نماید قاضی میتواند از اشیاء ضبط شده یا هر گونه مزایائی که بدولت تعلق گرفته مثل وجوه حاصله از ضمان حسن سلوک و غیره بشخص متضرر از جرم بتناسب ضرر او اعطا نماید

مقررات ماده فوق هم مطابق عدالت است و هم موافق مصلحت اولاً موافق عدالت است از اینجهت که دولت وقتی نتوانست افراد خود را در مقابل دزدی یا ضرب یا قتل یا بطور کلی هر جرم حفظ نماید تکلف است بقدر امکان حتی بوسائل مادی جبران ضرری را که متوجه عضوی که سر پرستی و حمایت او را عهده دار است نماید

ثانیا ترتیب فوق موافق مصلحت است زیرا دولت باید وسایل تشویق مردم را بکمک به خود درکف و تعقیب جرائم فراهم آورد بر عکس اگر کسی که متضرر از سرقت شده است بداند که مال او بکلی از بین رفته و بعد از دوندگیهای زیاد هم بالاخره چیزی دستش را نخواهد گرفت از اعلام جرم هم حتی خود داری خواهد کرد برای اینکه باز بین رفتن مال اقلا از هدر رفتن وقت خود جلوگیری نماید

اینجا هم بخوبی اصلاح قانون مجازات سوئیس برای دفاع جامعه در مقابل خطر جرم برای حمایتی که قانون مجازات باید برای مانا بین نماید خوبی واضح میگردد

این بود جمله از رفوره های قانون مجازات در قسمت عمومی اینک خیلی باختصار چند جمله را مع رفوره های آن در قسمت خصوصی قانون مجازات

I مبحث خصوصی

۱۴ - طبقه بندی جرائم

مبنای طبقه بندی جرائم و ترتیب تقدم و تاخر آنها در قانون مجازات سوئیس مثل قوانین مدونه قرن نوزدهم بر ترتیب اهمیت حق و موضوعی است که قانون گذار حمایت آنرا در نظر دارد با این تفاوت که مقنن سوئیس طبقه بندی تقسیم دوگانه جرائم را بجرایم بر علیه مصلح عمومی و جرائم بر علیه افراد کنار گذاشته رکلیک گندها را در ۱۹ مبحث بر ترتیب ذیل تدوین نموده :

- ۱ - جرائم بر علیه حیاة و تمامیت بدنی اشخاص
- ۲ - جرائم بر علیه دارائی
- ۳ - جرائم بر علیه شرف - افشاء سر
- ۴ - جرائم بر ضد آزادی
- ۵ - جرائم منافی عفت
- ۶ - جرائم بر علیه خانواده
- ۷ - جنحه و جنایاتی که مولد خطر جمعی میشوند
- ۸ - جنحه و جنایات بر ضد صحت عمومی
- ۹ - جنحه و جنایات بر علیه خطوط و موصلات عمومی

- ۱۰ - سکا، قلب - قلب نمبر و علامات رسمی و وزنه ها
- ۱۱ - جعل اسناد
- ۱۲ - جنحه و جنایات بر علیه صاحب و آسایش عمومی
- ۱۳ - جنحه و جنایات بر علیه دولت و دفع مای
- ۱۴ - جنحه های بر علیه عقاید ملت
- ۱۵ - جرائم بر علیه مقامات عمومی
- ۱۶ - جنحه و جنایاتی که سبب اختلال روابط با خارجه میشوند
- ۱۷ - جنحه و جنایات بر علیه اداره دادگستری
- ۱۸ - جرائم منافی با وظائف شغل و حرفه
- ۱۹ - تخلفات از مقررات حقوق متغذ

گذشته از این مثل اغلب جرائم در قانون سوئیس نسبت بقوانین ممالک دیگر تغییر پیدا کرده مثلا برای حریق و انفجار و ایجاد خرابی با ول کردن آب و تخریب آلات الکتریکی فصل خصوصی در تحت عنوان : « جنحه و جنایاتی که مولد خطر جمعی میگردد » پیش بینی شده و با جرم شهادت دروغ و فراراند محسوسین و یا دروغی اعلام جرم کردن یا بدو رخ کسی را مرتکب جرم معرفی نمودن یا شخص مرتکب یا محکوم بجرمی را از مامورین صلاحیت دار مخفی کردن و نظیر این جرائم در تحت عنوان منحصرص: جرائم بر علیه اداره دادگستری ذکر گردیده

مطالعه هر یک از جرائم مندرجه در مباحث فوق بخوبی دقت و تجربیات عملی مدون کنندگان قانون مجازات ۱۹۳۷ را معلوم میدارد و ما برای نمونه جرمهایی را که در مبحث دوم تحت عنوان جرائم بر علیه دارائی درج گردیده است تذکر میدهیم

جرائم مزبور چهار نوع تقسیم میشوند:

الف - جرائم منافی با مالکیت اشخاص

۱ - سرقت

۲ - سرقت مقرون با آزار

۳ - خیانت در امانت

۴ - تملک مال غیر یا تصاحب اشیاء و حیوانات پیدا شده

مجازات سوئیس مسلماً بر تمام آنها رجحان دارد

### ۱۶ - آزادی نظر قاضی

برعکس قوانین مدونه قرن ۱۹ که سعی در تحدید اختیارات قاضی داشتند قانون مجازات سوئیس کوشش نموده است که برای شخصی نمودن مجازات هر چه بیشتر با اختیارات او در تعیین مسئولیت و مجازات و اقدام تأمینی یا میزان آنها توجه دهد و این اختیارات و آزادی نظر مخصوصاً در قسمت علل مخففه مجازات بیش از سایر قسمتها جلب توجه میکند این روش قانون مجازات سوئیس در تعقیب نظریه است که مخصوصاً از اواخر قرن گذشته شیوع پیدا کرده و امروزه تقریباً از طرف اکثر جزائون پذیرفته شده است

\*\*\*

این بود طی يك مقاله مختصر و در عین حال طویل بعضی از رفرورمهای اساسی قانون مجازات سوئیس که بنای آن تقریباً از چهل سال پیش اول باکلر اشموس نهاده شده و بعداً در نتیجه فکر و زحمت علمای دیگر آنکشور ساخته و فعلاً در معرض استفاده گذارده شده است. یکی از کارگران و زحمت کسان با وفای این بنای علمی پروفیسور پل لنگز prof paul logoz استاد دانشگاه ژنومیباشد و خوانندگان توجه داشتند که اغلب طی این مقاله نام وی بقلم نگارنده میآید زحمات لکر گذشته از شرکت در تهیه آخرین طرح قانون مجازات سوئیس و اشیاء گزارش تفصیلی (۱) آن برای تقدیم به مجلس متحدہ مخصوصاً در این چند وقت اخیر عبارت از دفاع قانون مزبور در مقابل حملات مخالفین بانواع مختلف و مسائل تبلیغ و بطور کلی پرورش افکار عمومی ملت برای طرفداری از آن در موقع مراجعه بآراء عمومی بود و در حقیقت تصویب قانون مجازات سوئیس را میتوان بیشتر مرهون مساعی این دانشمند جزائی عالی مقام دانست

دکتر محمد علی هدایتی

۵ - تحصیل و اخذ مال مورد جرم در مقام هبه یا وثیقه -

مخفی کردن اشیاء حاصله از جرم

۶ - ربودن بدون قصد نملک بمنظور آزار رساندن

۷ - ناص کردن و خراب نمودن یا از کار انداختن

اشیاء متعلق بغير

۸ - ربودن برق و غیره

۹ - فروختن - ناص کردن - یا از کار انداختن مال

مورد وثیقه توسط مدیون یا شخص ثالث

ب - جرائم بر علیه حقوق مالی اشخاص

۱ - کلاهبرداری

۲ - پیرداختن قیمت غذا در رستوران و پانسیون یا

قیمت مهمانخانه با پانسیون

۳ - تحصیل متقلبانه تعهد از دیگران مثل سوار شدن در ترن

کشتی یا دخول در نمایش و امکانه نظیر آن بدون داشتن بول

۴ - دادن اطلاعات خلاف حقیقت راجع بشرکتهای تجاری

۵ - افساد مال لتجاره

۶ - در معرض معامله گذاشتن اتمه فاسد

۷ - اخذ مال ببنف

پ - جنحه و جنایات بر ضد حقوق غیر مالی

۱ - لطمه باعتبار

۲ - رقابت غیر قانونی

۳ - افشاء سرفابریک یا هر سر تجاری

ت - جنحه و جنایات در ورشکستگی و تعقیب

برای دیون

۱۵ - تعریف جرائم

نویسندگان قانون مجازات سوئیس سعی کرده اند برای

تعریف و تشخیص هر جرم از تجربیات و تحقیقاتیکه تا موقع

تعیین قانون مزبور چه توسط علما و چه توسط محاکم شده

است حتی المقدور استفاده نمایند

پروفیسورها قتر بعد از مطالعه قانون مجازات سوئیس

از این حیث با قوانین مجازات سایر ممالک مینویسد: قانون